# پروانه در شهر عجایب

**نویسنده: ساغر رضایی سعید***

وقتی من و دوستم به مدرسه می‌رفتیم اتفاق عجیبی افتاد... مدیر مدرسه‌مان به مسافرت رفته بود. آن هم برای ۱۵ ماه! به خاطر همین هم ما به اردوی تفریحی رفتیم. اردو در باغ برگزار شد و قرار شد شب همان‌جا بخوابیم. در باغ چادری برای اقامت ما وجود داشت. وارد چادر شدیم و بازی مونوپولی انجام دادیم. سمیرا به خاطر باختن در بازی اعصابش بهم ریخت و پارچ آبمیوه را چپه کرد! شب که شد من کیسه خواب‌ها را انداختم تا بخوابیم. متأسفانه کسیه خواب من جایی پهن شد که پارچ آبمیوه چپه شده بود!

من و سمیرا صبح زود بیدار شدیم و رفتیم داخل باغ تا کمی قدم بزنیم. بعد از کمی قدم زدن ناگهان یک نور طلایی آمد و ما را به شهر عجایب برد. اولش تو هوا بودیم. وقتی فرود آمدیم یک استخر پر از شکلات دیدیم. رفتیم و مقداری شکلات خوردیم. البته بیشترش را سمیرا خورد. جلوتر که رفتیم استخری را دیدیم که کنارش یک دکمه بود. دکمه را که زدیم مایوهای خیلی قشنگی ظاهر شد. من یک مایو برداشتم که وقتی می‌پوشیدم شبیه پری‌دریایی می شدم. بعدش هم شیرجه زدیم توی استخر. خیلی کیف می‌داد. یکی از دایوهای استخر خیلی بلند بود و من هم از آن‌جا یک شیرجه جانانه زدم. حسابی خیس آب شدم. آخر سر هم دست سمیرا را گرفتم و با هم از روی دایو پریدیم. وقتی از استخر بیرون آمدیم یادمان آمد ما لباس نداریم! خوشبختانه آن‌جا کمدی بود که در آن یک عالم لباس قشنگ بود. من توی کوله‌ام یک تی‌شرت برق‌برقی گذاشتم و خودم هم یک لباس دامن‌دار قشنگ پوشیدم. با آن لباس مثل پرنسس‌ها شده بودم.

بعد از پوشیدن لباس‌های‌مان زیر پای‌مان خالی شد و ما افتادیم توی یک جایی که مثل جنگل بود. یک کلید و یک در آن جا بود. کلید را برداشتم و در را باز کردم. من یک گنج پیدا کردم. سمیرا یک عالم شکلات پیدا کرد. من کیفی پیدا کردم که هر چی داخلش می‌گذاشتم پر نمی‌شد. سنگین هم نمی‌شد. کیفم جادویی بود.

بعد رسیدیم به یک دیوار. روی دیوار یک عکس بود با یک دکمه. سمیرا گفت: «پروانه باید برویم.» ولی من دکمه روی دیوار را زدم. عکس روی دیوار مثل عکس لباسم بود. بعد یک صدایی گفت: «رمز را وارد کنید.» من کمی گیج شده بودم ولی تصمیم گرفتم رمز ۱،۲،۳ را بزنم. خوش شانس بودم و رمز درست بود. روبه‌روی من و سمیرا در بزرگی باز شد. پشت در مغازهٔ حیوان‌فروشی بود. من رفتم و یک گربهٔ ریاضی‌دان خریدم. ولی گربه معتقد بود ۴ به علاوهٔ ۲ می شود ۵! به همین خاطر گربهٔ ریاضی‌دان را با یک خرگوش ملوس عوض کردم.

نور طلایی دوباره آمد و ما را به چادرمان برد. من خرگوشم را داخل کوله‌ام گذاشتم و تا به چادرمان رسیدیم تمام وسایل‌مان را جمع کردیم و سوار اتوبوس مدرسه شدیم تا به خانه برگردیم. دوست داشتم زودتر به خانه برسم و ماجراهای اردوی تفریحی را برای مادرم تعریف کنم.

*** ۸ ساله از شیراز- کلاس سوم- دبستان شهید شریف اشراف**

# در حیاط خلوت نویسندگان

**راینر اشمیتس**
**ترجمه مهشید میرمعزی**

جایزه ادبی. در یونان باستان، تاج برگ بو را فقط بر سر قهرمانان نمی‌گذاشتند. مهمترین ادیبان یونان و رم باستان هم تاج برگ بو را به عنوان جایزه ادبی دریافت می‌کردند. این رسم بعدها دوباره در آلمان قرن هجدهم دیده شده است. یک قرن بعد در ایتالیا، این رسم رایج شد. در روز عید پاک ۱۳۴۱ فرانچسکو پترارکا در کاپیتول تاج برگ بو را بر سر گذاشت. مارتین اوپیتس هم اولین ادیب آلمانی بود که تاج برگ بو دریافت کرد.

جایزه یوزف برایتباخ، وقفِ یوزف برایتباخ، نویسنده و کارخانه‌دار سوئیسی، از صد و پنجاهمین سال مرگ هاینه اهدا می‌شود و در کنار جایزه هاینریش هاینه شهر دوسلدورف، بالاترین مبلغ را در کشورهای آلمانی زبان دارد. مبلغ این دو جایزه پنجاه هزار یورو است.

معتبرترین جایزه ادبی آلمان، جایزه گئورگ بوشنر با مبلغ چهل هزار یورو است.

اما معتبرترین جایزه در حوزه ادبیات معاصر آلمان، جایزه اینگه بورگ باخمن و مبلغ آن ۲۲۵۰۰ یورو است.

جایزه ادبی پس گرفته شده. تنها موردی که جایزه ادبی گونکور پس گرفته شد، از وینتیلا هوریا بود. او پیشترها عضو گروه فاشیستی «گارد آهنین» بود.

جایزه ادبی رد شده. تاکنون فقط دو نویسنده جایزه نوبل ادبیات را رد کرده اند. بوریس پاسترناک و ژان پل سارتر.

پاسترناک روس، قرار بود در سال ۱۹۵۸ این جایزه را برای رمان دکتر ژیواگو دریافت کند، اما مجبور شد به دلایل سیاسی از دریافت آن خودداری ورزد. او در دوران جنگ سرد، در شوروی و پشت پرده آهنین زندگی می‌کرد. این رمان که منتقد جامعه آن زمان روسیه بود، توسط جیانجوکومو فلترینلی، ناشر ایتالیایی و به طریق کاملا ماجراجویانه‌ای، پنهانی از روسیه خارج شد. اولین مرتبه در سال ۱۹۵۷ در میلان و برخلاف خواسته پاسترناک، به زبان‌های ایتالیایی و روسی منتشر گردید. در دوران جنگ سرد، بخش‌هایی از کتاب مورد استفاده تبلیغاتی غرب قرار گرفت. پاسترناک به اعتراض گفت: «همه درباره آن می‌نویسند. اما فقط از بخش‌های خاصی نقل قول می‌آورند که شاید شامل سه صفحه از این کتاب هفتصد صفحه‌ای شود.» اولین واکنش پاسترناک به دریافت جایزه نوبل این بود: «بی‌نهایت سپاسگزار، متأثر، شگفت‌زده و شرمنده هستم.»

از طرف دیگر دولت شوروی هم ساکت نماند. مطبوعات و اتحادیه نویسندگان شوروی، عملیات تبلیغاتی بی‌نظیری را آغاز کردند. پاسترناک را «خوک گَر» خواندند. خانه‌اش روزهای متمادی توسط گروه سازماندهی شده‌ای از کمونیست‌های جوان محاصره شد که دائم شعار «یهودی‌ها بیرون!» می‌دادند. اوضاع طوری شد که پاسترناک به خودکشی می‌اندیشید. می‌دانست اگر جایزه را قبول کند در بهترین وضعیت، تبعید می‌شود. بالاخره در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۸ یک تلگراف دیگر به استکهلم فرستاد و جایزه را رد کرد. دولت شوروی سابق هرگز درباره رمان دکتر ژیواگو، اظهارنظر نکرد. پاسترناک به کلبه کوچک خود در نزدیکی مسکو نقل مکان کرد و در سی‌ام مه ۱۹۶۰ در همان‌جا از دنیا رفت. سی سال بعد، در سال ۱۹۸۹ جایزه نوبل پاسترناک به او داده شد. پسرش آن مدال طلایی را در استکهلم دریافت کرد. در این بین در روسیه هم مردم می‌توانستند دکتر ژیواگو را بخوانند.

ژان پل سارتر، در سال ۱۹۶۴ جایزه ادبی نوبل را رد کرد. در اکتبر ۱۹۶۴ در فیگاروی ادبی، در مقاله‌ای اشاره شد که ژان پل سارتر احتمالاً برنده نوبل ادبی خواهد بود. سارتر نامه‌ای به آکادمی نوبل نوشت و در آن ذکر کرد تمایلی به دریافت این جایزه ندارد. با این احوال در ۲۲ اکتبر همان سال، خبر دریافت جایزه به او رسید. روز بعد لوموند، رد جایزه نوبل از سوی سارتر را اعلام کرد. این خبر ماه‌ها در صدر اخبار نشریات مختلف قرار داشت. افراد معدودی می‌دانستند که جرج برنارد شاو در سال ۱۹۲۶ این جایزه را رد کرد، اما بعد در تصمیم خود تجدیدنظر کرد و آن را پذیرفت. یازده سال بعد سارتر از طریق یک واسطه پیغامی برای آکادمی نوبل فرستاد. می‌خواست بداند آیا می‌تواند مبلغ جایزه را دریافت کند یا نه. البته تقاضای او رد شد.

پتر هانتکه در ۱۹۸۵ جایزه آنتون ویلدگانس را که مبلغ آن ۱۵۰۰۰ مارک بود رد کرد. دلیل رد این جایزه دو مقاله درباره او بود. در اولین مقاله نوشته شده بود، این جایزه را برای این که به هانتکه داده‌اند که بیشترین خواننده را بین ادیبان اتریشی دارد. البته معلوم نیست هانتکه چرا از این مقاله خوشش نیامده است. در دومین مقاله هم او را یکی از مبتکرترین فرصت‌طلبان بعد از جنگ خوانده بودند. هنگامی که ناتو در سال ۱۹۹۹ در جنگ کوزوو دخالت کرد، هانتکه جایزه گئورگ بوشنر خود را که در سال ۱۹۷۳ دریافت کرده بود، پس داد. او پس از ۲۳ سال، مبلغ ده هزار مارک جایزه را هم به حساب آکادمی زبان و شعر آلمان واریز کرد.

از دیگر جوایز رد شده: حدود یکصد سال از اهدای جایزه گونکور می‌گذرد. تنها یک مرتبه و آن هم در سال ۱۹۵۱ ژولین گراک از دریافت آن برای رمان ساحل سیرت‌ها خودداری کرد.

پاترک زوسکیند، جایزه فرانکفورتر آلگماینن سایتونگ را رد کرد.

کریستیان انسنزبرگر در سال ۱۹۷۰ از دریافت جایزه ادبی برمر خودداری نمود.

هاینریش بل، گونتر گراس و زیگفرید لنتس، در سال ۱۹۷۲ از پذیرش مدال افتخاری آلمان فدرال خودداری کردند.

رد جایزه پولیتزر توسط سینکلر لویس در سال ۱۹۲۶ جنجال زیادی به همراه داشت. البته هنگامی که در سال ۱۹۳۰ جایزه ادبی نوبل را پذیرفت، تعجب همگان بیشتر شد.

ویلیام سارویان در سال ۱۹۴۰ جایزه پولیتزر را رد کرد. دلیل او برای رد جایزه: «تجارت نباید درباره هنر قضاوت کند.»

کامیلو خوسه سلا، برنده جایزه ادبی نوبل، جایزه سروانتس را که مهمترین جایزه ادبی در حوزه کشورهای اسپانیایی زبان است، با این کلمات استهزا کرد: «علاقه‌ای به آن ندارم. این جایزه پوشیده از مدفوع است.» البته او مدتی بعد و در سال ۱۹۹۵، جایزه سروانتس را پذیرفت و حتی بسیار هم سپاسگزار بود.

براساس صورتجلسه کمیته اهدای جایزه استالین در هجدهم دسامبر ۱۹۵۴، توماس مان از این افتخار چشم پوشیده است. مان در سیزدهم دسامبر همان سال به یکی از دوستان خوب خود گفته بود که می‌ترسد مُهر کمونیست بودن به او بخورد. کمیته مذکور سپس برتولت برشت را برنده جایزه اعلام کرد.

ب. تراون در مکزیکو اقامت داشت و از سال ۱۹۵۱ تبعه این کشور شده بود. هنگامی که رئیس جمهور مکزیک قصد اهدای مدال افتخار آزتک‌ها را به او داشت، رد کرد.

آروندانی روی، نویسنده هندی، از دریافت مهم‌ترین جایزه ادبی هندوستان خودداری کرد. آکادمی ادبی هندوستان هر ساله این جایزه را به افرادی اهدا می‌کند که اثر خود را به یکی از زبان‌های به رسمیت شناخته شده در هندوستان نوشته باشند، روی دلیل رد این جایزه را موافق نبودن با سیاست‌های دولت هندوستان اعلام کرد.

## شعری از کلوزیو برتونی

**برگردان: طناز تقی‌زاده**

**«اگر»**

اگر پرنده کوچکی باشی، برایت آشیانه‌ای خواهم بود
اگر گردن باشی و سردت باشد، برایت شال خواهم بود
اگر موسیقی باشی برایت گوش خواهم بود
اگر آب باشی برایت لیوانی خواهم بود
اگر نور باشی برایت چشم خواهم بود
اگر دریا باشی ساحلت خواهم بود
و اگر هنوز هم دریا باشی برایت ماهی خواهم بود
و در اعماقت شنا خواهم کرد
و اگر دریا باشی من نمک خواهم بود
و اگر من نمک باشم تو برایم کاهو خواهی بود
یا آووکادو یا شاید تخم‌مرغ نیمرو
و اگر برایم تخم‌مرغ نیمرو باشی
برایت تکه نانی خواهم بود
و اگر تکه نانی باشم
برایم کره مربا خواهی بود
اگر مربا باشی
هلوی درون مربا خواهم بود
اگر هلو باشم، تو درخت خواهی بود و
اگر درخت باشی، عصاره‌ات خواهم بود
و در بازوهایت بسان خون جاری می‌شوم
و اگر خون باشم
در قلبت زندگی خواهم کرد

***

## سه شعر از سولیا سانچز

**برگردان: طناز تقی‌زاده**

**۱ -پروانه‌ها**

همه جا هستند
روی سقف
زیر لحاف
روی کاناپه
روی دیوار آشپزخانه مان
جلوی شومینه
توی وان حمام
می‌رقصند و فکر می‌کنند
لبخند می‌زنند و اشک می‌ریزند
مهربانی می‌کنند و عصبانی می‌شوند
ولی هستند
و دوباره متولد می‌شوند
هر روز
هر ساعت
هر لحظه

***

**۲ -بگذار برایت**

بگذار برایت طبیعتی باشم
برایت دست نخورده
بگذار بادی باشم
که تمام روز برایت می‌وزد

***

**۳ -شعر امروز**

واژه‌ها امروز مهربان نیستند
بیشتر هوس پیاده‌روی دارند
تا نشستن روی دفترچه‌ام
آشپزخانه اما صدایم می‌زند
پانزده دقیقه بعد
قارچ‌های وحشی در کره شنا می‌کنند
برنج‌های سفید خوش قد و بالا
توی آب نمک شیرجه می‌زنند
تکه‌های مرغ در ماست و زعفران آب‌تنی می‌کنند
پیازچه‌ها آفتاب می‌گیرند
جرعه‌ای نوشیدنی می‌نوشم و
شعر نهفته در آشپزخانه را تحسین می‌کنم

آگهی

**آگهی مناقصه عمومی ۵۷۰-۱۴۰۰**

نوبت اول آگهی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ روزنامه عصرمردم نوبت دوم آگهی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴ روزنامه سبحان
فضای سبز شهرداری منطقه پنج شیراز در نظر دارد عملیات حفظ و نگهداری فضای سبز محدوده F منطقه پنج را از طریق مناقصه عمومی و با شرایط ذیل به بخش خصوصی واگذار نماید. لذا ازکلیه شرکتهای واجد شرایط دعوت بعمل می آید، با توجه به موارد ذیل جهت اخذ اسناد مناقصه به آدرس: شیراز بلوار رحمت روبروی بوستان سعدی شهرداری منطقه پنج مراجعه نمایند. ضمناً در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر شماره تلفن ۰۷۱۳۷۳۶۷۸۶۰ آماده پاسخگویی می باشد.
۱- مبلغ برآورد اولیه: ۴۱,۷۴۵,۰۵۸,۹۱۴ ریال
۲- مدت انجام کار: دو سال می باشد
۳- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۲,۰۸۷,۲۵۲,۹۴۵ ریال است که باید به یکی از صورتهای مشروحه زیر همراه با اسناد مناقصه در پاکت (الف) به دستگاه مناقصه گزار تسلیم شود.
٤- الف - ضمانتنامه به نفع شهرداری شیراز با شناسه ملی: ۱۴۰۰۲۰۹۱۶۷۱ و کداقتصادی: ٤۱۱۳٦٤۸۷۷٤۵۵
۵- ب - فیش واریز نقدی به حساب سازمان به شماره ۱۰۰۷۸۵۵٤۳۰٦٦ بانک شهر
۶- ارائه حداقل رتبه ۵ کشاورزی از سازمان برنامه و بودجه یا ارائه گواهی صلاحیت معتبر مرتبط با موضوع مناقصه از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان فارس الزامی می باشد .
۷- لازم به ذکر است شرکتهایی که گواهی صلاحیت (مجوز فعالیت) از استانهای دیگر را داشته باشند می بایست مجوز فعالیت در استان فارس را از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان فارس اخذ و همراه با سایر اسناد در پاکت ب ارائه نمایند در غیر اینصورت پاکت پیشنهادی آنان بازگشایی نخواهد شد.
۸- مدیرعامل یا یکی از اعضای هیات مدیره شرکت الزاماً می بایست دارای مدرک کارشناسی از دانشکده های کشاورزی یا منابع طبیعی در رشته‌های مرتبط با موضوع مناقصه و سهام دار ودارای حق امضا در اسناد و مدارک مالی و قراردادها باشد.
۹- خدمات حفظ و نگهداری فضای سبز می بایست جزء موضوع اساسنامه شرکت باشد .
۱۰- ارائه یکسال سابقه اجرایی در خصوص حفظ و نگهداری و یا احداث فضای سبز توسط شرکت ، الزامی می باشد.
۱۱- زمان بازدید میدانی ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ و محل تجمع دفتر فضای سبز منطقه واقع در بوستان شهدا می باشد
۱۲- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها: تا ساعت ۱۳ روز چهار شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۷/۰۷ می باشد .
۱۳- زمان تشکیل کمیسیون بازگشایی پاکت ها ساعت ۱۳ روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۷/۱۰ در محل سالن جلسات اداره کل حقوقی شهرداری شیراز واقع در چهار راه خلدبرین خواهد بود.
شناسه آگهی: ۱۱۸۸۲۲۵
**اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری شیراز**

**آگهی مناقصه عمومی مرحله اول**
نوبت اول: ۱۴۰۰/۶/۱۵
نوبت دوم: ۱۴۰۰/۶/۲۲
شهرداری صغاد در نظر دارد اجرای عملیات آسفالت گرم معابر سطح شهر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجدالشرایط واگذار نماید. لذا از کلیه پیمانکاران تشخیص صلاحیت شده و دارای رتبه‌بندی از سازمان برنامه و بودجه، دعوت به عمل می‌آید جهت اخذ اسناد مناقصه به شهرداری مراجعه نمایید.
۱-برآورد اولیه ۱۰/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲-تحویل سپرده به میزان ۵۳٤/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت وجه نقد، ضمانت نامه بانکی و اسناد خزانه
۳-برندگان اول، دوم، سوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
٤-سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقصه مندرج است.
۵-شهرداری در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
۶-مهلت دریافت و تحویل اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی نوبت دوم ۱۰ روز می باشد.
۷-هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
۸-به پیشنهاداتی که فاقد سپرده، مخدوش و دارای قلم خوردگی و یا بعد از تاریخ اعلام تحویل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۹-قیر مورد نیاز مصرفی عملیات فوق به عهده شهرداری می‌باشد.
۱۰-در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ٤٤۳۹۲۵۸۰ و ۰۷۱-٤٤۳۹۲٤۰۰ تماس حاصل فرمائید.
شناسه آگهی: ۱۱۸۶۰٤۸
۴۳۷۷/م الف
**شهرداری صُغاد**

**هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**
**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**
برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۱۰۳۵۰۰۱۹۳۹ مورخ ۱۴۰۰/٤/۲۱ موضوع پرونده کلاسه شماره ۱۳۹۹۱۱٤٤۱۱۰۳۵۰۰۰۹۰۲ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۳ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ناصر انباردار به شماره شناسنامه ۶۵۷ کدملی ۲۲۹۸۸٤۶۷۹۰ صادره از شیراز فرزند محمدعلی در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۳/۱۷ مترمربع به پلاک ۸/٤۱۸۹۱ مفروز و مجزی شده از ۱۱۹۶ مجزی شده از ۸/۱٤ باقی مانده؛ واقع در بخش ۳ حوزه ثبت ملک شیراز- ناحیه ۳ خریداری از مالک رسمی آقای سید فتح علی جعفری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۶/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۶/۲۲
۳۷٤۵/م الف
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۳ شیراز
روح اله دهقان

**در مصرف آب و برق صرفه‌جویی کنیم**